

فرهنگ نظام آموزشی ژاپنی‌ها

اشاره

دستاوردها و پیشرفت‌های شگرف ژاپن در دهه‌های اخیر موجب حیرت و حسرت جهانیان شده است. بسیاری از پژوهشگران راز موفقیت و توفیق ژاپنی‌ها را در فرهنگ آموزش و پرورش آن جست‌وجو می‌کنند. نویسنده این مقاله چندین سال به مطالعه و مشاهده موضوع آموزش در سرزمین آفتاب تابان (ژاپن) پرداخته و بر پایه آن، درس‌هایی از فرهنگ آموزش و مدارس ژاپنی‌ها گرفته که خلاصه آن‌ها را در این نوشتار آورده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش در ژاپن، فرهنگ آموزش، مدارس ژاپن، نظام آموزشی ژاپن

مقدمه

امروزه شواهد حاصل از پژوهش‌ها در خصوص فرهنگ آموزش در مدارس ژاپن اعجاب جهانیان را برانگیخته است. آن‌ها در چندین آزمون بین‌المللی (مانند TIMSS) جزو کشورهای برتر جهان بوده‌اند. همچنین، مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش نشان می‌دهد، آموزش و پرورش عمومی ژاپن، به ویژه در دوره ابتدایی، از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است (سرکارآرانی، ۱۳۸۴). ازرا ووگل، استاد دانشگاه هاروارد، که حدود ۲۰ سال به مطالعه فرهنگ ژاپن مشغول بوده است، می‌نویسد: من از موفقیت‌های ژاپن طی دو دهه اخیر شگفت زده بودم. از خودم می‌پرسیدم، چرا ژاپن بی‌آنکه منابع طبیعی داشته باشد، تا این حد در حل مسائل و مشکلاتی که برای جامعه آمریکا ناگشوده مانده، موفق است؟! اما به راستی راز موفقیت ژاپن در چیست و کدام ویژگی باعث شده بسیاری از آگاهان، قرن بیست و یکم را قرن ژاپن بدانند و آن را کشور شماره یک دنیا بشناسند؟ در این جستار نیم‌نگاهی به فرهنگ آموزش ژاپنی‌ها که منشأ این دست‌اوردهاست، خواهیم داشت.

نظام آموزش ابتدایی ژاپنی‌ها

مدارس ابتدایی در ژاپن بسیار جالب و دیدنی هستند. ساختار و نظام آموزش ابتدایی ژاپن به پرورش شخصیت کودک در این دوره بسیار توجه و تأکید دارد. فضای فیزیکی مدارس ابتدایی بسیار مجهز و در خور توجه است، به طوری که اکثر آن‌ها استخر دارند و فضا بسیار تمیز و با طراوت است. اما چرا مدارس ابتدایی اکثر پژوهشگران آموزش و پرورش ژاپن، مدارس ابتدایی را بسیار سرزنده، بزرگ، جالب و جذاب توصیف کرده‌اند. برای مثال **کومینگر** می‌گوید: مدارس ابتدایی گل سرسبد آموزش و پرورش ژاپن هستند. ژاپن در مقایسه با ایالات متحده آمریکا سهم بیشتری از تولید ناخالص ملی خود را در ۱۲ سال تحصیلی (از ابتدایی تا پایان دبیرستان) و مقدار کمتری از آن را در آموزش دانشگاهی خویش هزینه می‌کند. در طول بیش از یکصد سال، ملت، رهبران و دولت‌مردان ژاپنی به دوره آموزش ابتدایی، به عنوان محوری سرنوشت‌ساز در توسعه ملی، نظر داشتند.

اکثر مدارس ابتدایی در ژاپن، استخر دارند و فضای فیزیکی مدارس تمیز و باطراوت است. اما چرا مدارس ابتدایی؟



۷. وجود روح همکاری دسته‌جمعی
۸. داشتن انضباط و شوق به کار
۹. ثبات داشتن
۱۰. وجود شوق یادگیری
۱۱. داشتن اخلاق کار و تلاش
۱۲. گرایش به رهبری جمعی در مدیریت مدارس
۱۳. تأکید بر جنبه کاربردی آموزش
۱۴. آموزش عملگرا با تأکید بر آزمایش و پژوهش
۱۵. مشارکت فعال دانش‌آموزان در کارهای مدرسه (تعاون و همراهی گروهی)
۱۶. تلقی مدرسه به عنوان محل زندگی دانش‌آموزان
۱۷. تلاش همگان برای رشد خلاقیت و روحیه کارگروهی
۱۸. مورد توجه بودن بازی‌های آزاد
۱۹. تربیت بچه‌ها برای زندگی در جامعه
۲۰. پرورش حس اعتماد به نفس
۲۱. مشارکت و درگیر کردن بچه‌ها به صورت عملی
۲۲. پرورش حس مسئولیت‌پذیری
۲۳. تأکید بر رفاقت بین دانش‌آموزان به جای رقابت
۲۴. تأکید بر دوستی و همکاری بین بچه‌ها [دوستی بچه‌ها]
۲۵. همکاری در نظافت مدرسه
۲۶. همکاری بسیار نزدیک خانواده (اولیا) با مدرسه
۲۷. تأکید بر دوستی و رفاقت در مدارس
۲۸. توجه به خودفرمانی یا خود مدیریتی

چنانکه آری نوری موری (معمار مدرنیزاسیون ژاپن) در سال ۱۸۸۵ می‌نویسد:

۹۹ درصد دانش‌آموزان دوره ابتدایی ژاپنی در مدارس ابتدایی دولتی محل اقامت خود درس می‌خوانند. در این دوره، آموزش رایگان است و فرزندان تمام ساکنان محل اجازه ثبت‌نام دارند. در ژاپن ۹۰ درصد دانش‌آموزان کلاس دوازدهم را با موفقیت پشت سر می‌گذارند (این نسبت در آمریکا ۷۳ درصد و در اروپا ۵۰ درصد است).

ویژگی‌های فرهنگ مدارس در ژاپن

- مطالعات درباره نظام آموزش و پرورش ژاپن ویژگی‌های زیر را به عنوان فرهنگ مدارس در ژاپن نشان می‌دهند:
۱. قائل شدن اهمیت بسیار زیاد مردم و دولت برای آموزش و پرورش (دولت ژاپن بیشترین سهم از تولید ناخالص ملی را صرف دوره‌های آموزش پیش‌دبستانی و ابتدایی می‌کند).
 ۲. تأکید بر کارگروهی (ووگل ۱۹۷۹، لوئیس ۱۹۹۵، بنجامین ۱۹۹۷، سرکارآرانی ۱۳۸۱، بختیاری ۱۳۸۷).
 ۳. انعطاف فکری، نوپذیری و نوسازی اعجاز‌آمیز ژاپن
 ۴. وجود نظام آموزشی کارآمد - کیفیت بالای آموزش
 ۵. داشتن پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی
 ۶. احترام به دیگران

بسیاری از پژوهشگران توفیق ژاپن را مرهون نظام آموزش و پرورش آن می‌دانند

۲۹. تأکید بر رشد و زندگی اجتماعی
۳۰. ایجاد فرصت‌های آموزشی مساوی برای همگان
۳۱. آموزش تمامی کودکان با یک روش
۳۲. مربی بودن معلمان نه مستبد بودنشان (معلم در نقش هادی، راهنما و حامی)
۳۳. ضروری بودن تفریح و شادی [شادابی] در مدارس
۳۴. توجه به تفریح و شادی [شادابی] دانش‌آموزان به عنوان راهبردی برای وارد کردن آنان به مشارکت و همکاری
۳۵. تقسیم دانش‌آموزان به گروه‌های کوچک
۳۶. تلفیق شادی و لذت در فرایند آموزش و یادگیری
۳۷. حذف تعارض و دشمنی بین معلم و شاگرد
۳۸. حذف مردودی در دوره ابتدایی و منع نشدن هیچ دانش‌آموزی از مشارکت در فعالیت‌ها

ژاپنی‌ها اعتقاد دارند تجربه در رشد تأثیر بلندمدت دارد. لذا برای پرورش افراد، تجربه داشتن از اهمیت خاصی برخوردار است.

* برنامه درسی ملی راهکارهایی برای فعالیت‌های غیردرسی دانش‌آموزان در بر دارد.

نگارنده که خود به مشاهده مدارس ژاپن پرداخته، بسیاری از دانش‌آموزان ابتدایی و پیش‌دبستانی را در حال نظافت کلاس و مدرسه دیده است. در یکی از مدارس ابتدایی در کیوتو و یک مرکز پیش‌دبستانی در توکیو، شاهد دستمال کشیدن بچه‌ها در راهرو و کلاس بوده است. به زعم برخی پژوهشگران (لوئیس، سرکارآرانی، دوای و دیگران) در مدارس ژاپن آموزش قلب و اندیشه بچه‌ها مدنظر است. پژوهش لوئیس (۱۹۹۵)، نشانگر تجلی فرهنگ ژاپنی در فرایند آموزش و یادگیری در مدارس این کشور است و به صورت حیرت‌انگیزی آموزش و یادگیری در قالب سناریوهای فرهنگی مدیریت می‌شود.

ویژگی مهم فضای فرهنگی مدارس ژاپن (در دوره ابتدایی) سرزندگی، شلوغی، شادابی، شادی و جار و جنجال کلاس است. معلمان ژاپنی بر خلاف همکاران خود در سایر کشورها، تلاشی برای سکوت و بی‌حرکت نگه داشتن دانش‌آموزان نمی‌کنند. دانش‌آموز مجاز است با بغل دستی خود صحبت کند، برای تراشیدن مدادش از جا بلند شود یا پرده‌ها را بکشد. این قبیل کارها اختلال در نظم کلاس به شمار نمی‌رود. بنابراین، نظم و انضباط تحمیلی نیست و در نتیجه کلاس‌ها نیز شلوغ و پر جار و جنجال هستند و این امر از نظر معلمان و مربیان بی‌اشکال است.

آموزش و پرورش ژاپن با محاسنی که دارد و می‌تواند برای ما هم آموزنده باشد، در دهه‌های اخیر با مشکلاتی هم مواجه بوده است که صاحب‌نظران علوم تربیتی را به فکر واداشته است. از جمله این مشکلات می‌توان از اذیت و آزار دانش‌آموزان، کاهش انگیزه آنان برای ادامه تحصیل، توجه نکردن به فردیت و کم‌توجهی به خواسته‌های فردی نام برد که مشکلاتی را برای نظام آموزش و پرورش کشور ایجاد کرده است که توجه را برمی‌انگیزند.

«ووگل» معتقد است، نوسازی ژاپن از اواسط قرن نوزدهم (یعنی عصر امپراتوری «می‌جی» در سال ۱۸۶۸) آغاز شده است. از آن زمان، ژاپنی‌ها به طور جدی با فرهنگ غرب آشنا شدند و از ترکیب و تلفیق عناصر فرهنگی خود، فرهنگ نوین ژاپن را ساختند. روش ژاپنی‌ها در این ترکیب فرهنگی، هشیارانه و آگاهانه بود (ترجمه خوارزمی و اسدی، ۱۳۷۱). ژاپنی‌ها تمدن و فرهنگ کهن خود را با دانش نوین در آمیختند و بسویار اثربخش بود و فرهنگ ژاپن شکوفا شد. همچنین، ویژگی‌هایی همچون پشتکار، صبر و حوصله، انضباط درونی، حساسیت و احترام به دیگران و تأکید بر کارگروهی در موفقیت آن‌ها سهم داشته، ولی «ووگل» معتقد است: پیشرفت ژاپنی‌ها بیشتر دستاوردهای ساختارهای سازمانی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی درست آن‌هاست. شاید بتوان گفت، «مدیریت ژاپنی» که زباند جهانیان است، در این توفیق سهم بسزایی داشته است. بسیاری از پژوهشگران علل توفیق ژاپن را به نظام آموزش و پرورش کارا، باکیفیت و سرمایه‌گذاری زیاد روی پرورش منابع انسانی، سختکوشی و وفاداری افراد به سازمان‌هایی که در آن کار می‌کنند، احساس تعهد در جهت رشد و پیشرفت، فداکاری و آمادگی برای اصلاح نارسایی‌ها و اشتباهات خود، سازمان‌دهی و مدیریت بسیار خوب و کارساز نسبت می‌دهند (هرمن کان). همچنین، برخی اندیشمندان می‌گویند: مردم ژاپن به آموزش و پروردن منابع انسانی خود بسیار توجه و تأکید دارند (طوسی، ۱۳۸۴). برخی از پژوهشگران جهش ژاپن را حاصل ویژگی‌های فرهنگی خاص آن‌ها و برخی دیگر توانایی‌های ژاپنی‌ها برای «کار گروهی» را کلید موفقیت آن‌ها می‌دانند.

* پی‌نوشت‌ها

بخشی از نوشتار حاضر، حاصل مشاهده، مصاحبه و حضور نگارنده در مدارس ژاپن است که با مساعدت پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سفارت ژاپن در ایران و ایران در ژاپن، استادانی همچون دکتر سرکارآرانی، دکتر خرازی، دکتر عراقچی، دکتر گواهی، استاد صافی، پرفسور محمد نقی‌زاده، پرفسور اوکاموتو (Okamoto)، کویاما، خاتم موریتا (Morita)، دکتر ساکورای انجام شده است.